

ریشه‌های رشد تروریسم در آفریقا و راهکار مقابله با آن پدیده

محمد رضا شکبیا*

چکیده

اکنون چند سالی است که مقامات آمریکایی، اروپایی با همکاری برخی دولتمردان کشورهای جهان سوم به گفته بی‌هقی، دست در جهان کرده و ترویست می‌جویند. آن‌ها چشم خود را بر این واقعیت که الگوی اقتصادی آن‌ها موجب ناخرسندی مردم و بروز برخی مخالفت‌ها شده است، می‌بندند و انگشت اتهام خود را به سوی گروه‌هایی که به آن‌ها اعتراض داشته و روابط کنونی را غیرعادلانه و ناپایدار می‌خوانند، اشاره کرده و درصدد تهدید و سرکوب آن‌ها هستند. به گزارش نیویورک تایمز، مقابله با ترویسم پس از حملات یازدهم سپتامبر، به طور بی‌سابقه‌ای گسترش یافته و ابعاد جدیدی پیدا کرده است. البته مقامات، اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که آن‌گونه که تصور می‌کردند، این رهبری هنوز فلج نشده است.^(۱) واقعیت این است که نظام سلطه غربی، پدیده تروریسم را بین‌المللی و فراگیر کرده و جهانی‌سازی به گسست بیشتر مردم فقیر و غنی دامن زده است.

چندی پیش، رهبران مسلمان بریتانیا در ملاقات خود با تونی بلر و سیاستمداران دیگر انگلیسی، موافقت کردند که تروریسم را ریشه‌کن کنند.^(۲) البته از نظر آیین مقدس اسلام، دست زدن به هر نوع اعمال تروریستی برخلاف آموزه و دستورات اسلام است. مسلمانان بارها اظهار داشته‌اند که خواهان مبارزه همه‌جانبه با این پدیده شوم جهانی هستند. به گفته علمای اسلامی تروریسم نتیجه مستقیم مسایلی از جمله تبعیض، اشغال، نابرابری و تهدید و اعراب است و اسلام با هر کدام از این پدیده‌ها مخالف است. البته نمی‌توان انتظار داشت تا زمانی که میان اعراب و اسرائیل مناقشه وجود دارد و اسرائیل از طرف قدرت‌های بزرگ تشویق می‌شود و یا در آفریقا آشکارا حقوق مسلمانان نقض می‌گردد، مسلمانان سکوت کرده و با خون سردی شاهد بی‌عدالتی در جهان باشند.

* کارشناس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

مقدمه

هزاره جدید با حادثه یازدهم سپتامبر، شکل دیگری به خود گرفته و تروریسم لجام گسیخته خاطره جنگ‌های صلیبی، برخورد تمدن‌ها و پایان جهان را در اذهان مردم جهان زنده کرد. اما واقعیت این است که تروریسم با فقدان امنیت که اکنون به دغدغه اصلی دولتمردان تبدیل شده و رسانه‌ها اخبار و حوادث آن را پیگیری می‌کنند، جلوه دیگری از گستردگی فقر و شکاف بین ثروتمندان و فقرا می‌باشد. آقای جان کوفور، رئیس‌جمهور غنا، در سفر ماه مارس خود به لندن خطاب به نخست‌وزیر انگلیس و دیگر رهبران کشورهای غرب با صراحت و روشنی اعلام کرد که فقر موجب رشد و گسترش ناامنی، از بین رفتن کرامت انسانی و حقوق بشر در آفریقا شده و به تروریسم منجر می‌گردد.^(۳) به گفته وی و بسیاری از نخبگان آفریقا، استعمار و سیطره غرب بر آفریقا به بسیاری از مشکلات از جمله تروریسم دامن زده و رفع آن بلیه نیازمند درایت و همکاری دنیای غرب است. آقای کوفی عنان نیز در دوران ریاست خود بر سازمان ملل همواره فقر را عامل اصلی مشکلات آفریقا دانسته و برای رفع آن از جهانیان استمداد می‌کرد. به باور وی و به تصریح تصمیماتی که همه ساله در اجلاس‌های G8 از سوی سران کشورهای بزرگ صنعتی صورت می‌گیرد، زندگی میلیون‌ها نفر در آفریقا به کمک جهان صنعتی برای نبرد با فقر، بیماری و نابرابری بستگی دارد. حتی رئیس‌جمهور آمریکا نیز بارها در سخنرانی خود، موضوع فقر را برای جهان بسیار مضر و زیانبار دانسته و گفته است آمریکا برای کمک به غلبه بر فقر متعهد است. وی حتی خواستار رفع برخی موانع تجاری و سوبسیدها، از سوی

غرب شده که کشورهای در حال توسعه را از پیشرفت باز می‌داشته و در صورت تحقق آن‌ها می‌توان صدها میلیون نفر را از فقر رهایی بخشید.^(۴)

البته تجلی تروریسم و انگیزه‌های عاملین آن‌ها در مناطق مختلف یکسان نیست. وزیر امور خارجه ایران طی سخنانی در هند، حضور نظامی آمریکا را عامل تشدید تروریسم در منطقه دانسته و گفته که تروریسم اینترنتی، تروریسم مواد مخدر، تروریسم هسته‌ای، تروریسم فرهنگی و تروریسم دولتی، جهان را نگران کرده است.^(۵) ما با انواع تروریسم سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و علاوه بر آن، با تروریسم دولتی^(۶) گروهی و فردی روبه‌رو هستیم که هر یک ویژگی و تمایزات خود را دارد و هر یک روش مبارزه خاصی را می‌طلبد.

تروریسم و تأملاتی بر جنبه‌های مختلف آن

واژه تروریسم، یک مفهوم اعتباری است که تحت تأثیر حوادث، موضع‌گیری‌ها و تغییر و تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و به ویژه دینی قرار داشته و از منظر گروه‌ها متفاوت و متغیر است. برای مثال، از دید ششصد میلیون عرب و بیش از یک میلیارد مسلمان، رژیم اشغال‌گر قدس رفتاری غیرانسانی و مبتنی بر وحشت دارد؛ حال آن‌که از دید برخی دولت‌های غربی، آن رژیم مظلوم واقع شده و مبارزان مسلمان فلسطینی و عرب مصداق تروریسم هستند. به سبب این تحولات، مشاهده می‌شود که در مراحل تاریخی اقشار جدیدی در صحنه دولت‌ها حضور می‌یابند که دارای مواضع متفاوتی در قبال مناقشات اجتماعی بوده و نگرش ویژه‌ای نسبت به واقعیت‌ها دارند. برای مثال،

آفریقای جنوبی تا سال ۱۹۹۴، دوست و متحد رژیم اشغال‌گر قدس بود. ولی پس از محو رژیم آپارتاید، نگرش منفی دولتی نسبت به مبارزان عرب و فلسطینی تا حدودی تغییر و جانبداری غرض‌مندانه از رژیم اشغال‌گر قدس نیز جای خود را به روابط دیپلماتیک داده که به نوعی از خرد جمعی و هشیاری مردم آفریقای جنوبی پیروی می‌کند. گفتنی است که تلقی جهانیان از روابط بین‌الملل و حمایت‌های سنتی از برخی کشورها به ویژه اسرائیل تغییر کرده و مردم حتی در کشورهای غربی، دیگر از رویکردهای دولت‌های خود خرسند نیستند؛ از جمله در یک نظرخواهی اعلام شد که تحول بزرگی در بینش و آرای مردم انگلیس درخصوص برنامه‌ها و عملکرد رژیم اشغال‌گر قدس ایجاد شد که پیش از این مشهود نبود^(۷)

به همین سبب، این واژه نشان‌دهنده نظرات و اندیشه‌های تمام اقشار و طبقات اجتماعی و یا مواضع ایدئولوژیک پایدار نیست، بلکه معانی و مصداق‌های دارد که با تفاوت جریان‌ها و رویکرد کشورها، دستخوش تغییر و تحول می‌گردد. در واقع، در حالی که برخی نئو لیبرال‌های غربی، تروریسم را دشمن بشریت دانسته و برای محو و نابودی آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند، آقای اریک رولو معتقد است که تروریسم، سلاح فقرا و آسیب‌دیدگان در برابر قدرتمندان است و با این اظهارات، رویکرد ضد انسانی جهان غرب را مورد نکوهش قرار می‌دهد؛^(۸) زیرا وی به عنوان یک روزنامه‌نگار آشنا با حوادث جهان، به خوبی از زیاده‌خواهی‌های غربی‌ها آگاه بوده و به پیامدهای فقر و تنگدستی در جوامع آشنایی دارد. البته به گفته «رامونت»^(۹) تروریسم از آن جایی که شهروندان غیر نظامی و بی‌دفاع را آماج حملات خود قرار می‌دهد، از نفرت‌انگیزترین اشکال مبارزه است. هیچ

آرمانی، هر قدر هم مشروع باشد، نمی‌تواند توسل به این شیوه‌های خفت‌بار را توجیه نماید. فاجعه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، همچون دیگر سوءقصد‌های اخیر در کازابلانکا، ریاض، استانبول، مسکو و یا حیفا و بیت‌المقدس، تنها مایه نفرت و انزجار هستند؛ درست همانند واکنش تلافی‌جویانه برخی از دولت‌ها به شکل «تروریسم دولتی».

متأسفانه، ما در جهانی زندگی می‌کنیم که دارای استاندارد دوگانه بوده و اصول الهی و اخلاقی بر آن حاکم نیست. چنان‌که پس از یازدهم سپتامبر که آمریکا مورد هدف قرار گرفت، اخبار روزنامه‌ها مملو از انعکاس حوادث تروریستی گردیده و این‌گونه اخبار فراوان به چشم می‌خورد که: «ترور بر جهان سایه افکنده و خشونت و آدم‌کشی تمام نقاط جهان را از ایالات متحده آمریکا تا هند، آسیای جنوب شرقی، خاورمیانه، آفریقا و سری‌لانکا در بر گرفته و هیچ نشانی برای کاهش و یا توقف آن وجود ندارد»^(۱۰). اما پیش از آن حادثه، کشتار بیش از هشتصد هزار نفر در ورنادا و برون‌دی، سه میلیون نفر در منازعات کنگو و قربانیان منازعات سیرالئون و لیبیا چندان اهمیتی نداشته و باعث نگرانی دولتمردان مدعی نظم نوین نمی‌گردید.

هدف و شیوه

هدف این مقاله، این است که ضمن بی‌اعتبار نشان دادن رویکردهای غربی در مبارزه با تروریسم، این گفته «هابر ماس» را مورد تأکید قرار دهد که: «غرب باید در تعامل خود با دیگر تمدن‌ها حساسیت بیشتری به خرج داده و خود را بیشتر انتقادپذیر نشان دهد و این میسر نیست مگر آن‌که بین تمدن‌های مختلف «زبانی مشترک» به وجود آید». در

واقع، اگر قرار است جهان روی آسایش و رستگاری دیده و عقل و خرد سکاندار روابط و تعامل آدمیان گردد، لازم است دولت‌های استکباری از اتخاذ رویکردهای دوگانه در روابط بین‌المللی اجتناب کرده و خدمت‌گذار حق و عدالت شوند. در غیر این صورت، با توجه به حاکمیت جو بی‌عدالتی، تحقیر، تبعیض، فقیرسازی و به حاشیه راندن افراد فقیر و رواج خشونت، فعالیت‌های غیراخلاقی و زیانبار، تقلب و سودطلبی در روابط اجتماعی، نمی‌توان انتظار داشت که افرادی که حق آن‌ها پامال شده، سکوت اختیار کرده و بر سیری مستکبرین و گرسنگی خود و فرزندانشان صبر و متانت پیشه کنند. به گفته‌ها برماس: «افزایش روزافزون موج خشونت و ترور، ریشه در افزایش فزاینده اختلال در روابط اجتماعی ما دارد. هنگامی که جو بی‌اعتمادی میان جوامع غیرقابل کنترل شود، آن‌گاه گسست ارتباطی میان جوامع به وجود می‌آید و اینجا است که خشونت و ترور ظهور می‌کند»^(۱۱). نکته دیگر این است که جو ارباب و وحشت نه تنها در روابط آدمیان حاکم شده که حتی در تعامل انسان با طبیعت نیز مشاهده می‌شود و بسیاری از مشکلات کنونی آدمیان چه در تعامل با یکدیگر و چه در پیوند با طبیعت و محیط زیست، ناشی از همین سرپیچی از قوانین الهی و سودپرستی‌های حقیرانه است.

واقعیت تلخ دیگر، سوءاستفاده رژیم‌های استبدادی از این پدیده است. به این معنی که به باور «ایگنایو رامونت»، اکنون سرکوب‌گرترین رژیم‌های جهان نیز با سر مشق قرار دادن دولت‌های دموکراتیک، شتابان به روند مبارزه با تروریسم پیوسته‌اند. اکنون، دیگر نیروهای حاکم در کلمبیا، اندونزی، چین، برمه، ازبکستان، پاکستان، ترکیه، مصر، اردن، جمهوری دموکراتیک کنگو، مخالفین رژیم خود را «هواداران تروریست‌ها» می‌خوانند تا به

این ترتیب، هر اعتراضی را در نطفه خفه کنند.^(۱۲) در این نوشتار، تلاش شده که با تکیه بر واقعیت‌ها و اطلاعاتی که در نشریات و کتب متعدد منعکس گشته، چرایی و چگونگی تروریسم در آفریقا را مورد بررسی قرار داده و در این راستا، به نقش غرب در گسترش این پدیده اشاره کرده و به بازگویی این واقعیت بپردازیم که جهان استکبار «تروریسم» را دستاویز گسترش سلطه ضد مردمی و غارتگری خود کرده است.^(۱۳) در این بررسی، همچنین به زمینه‌های گسترش تروریسم که همانا فقر، جهل، استبداد و دوری از تعالیم انبیا و مصلحین است، اشاره خواهد شد.

تعریف و حدود واژه تروریسم

واژه تروریسم، این روزها بیش از هر واژه دیگری در رسانه‌ها مشاهده شده و به نظر می‌رسد یکی از دغدغه‌های بزرگ مسؤلان کشورهای صنعتی، مبارزه با آن پدیده باشد. متأسفانه تاکنون، تعریف مناسب و همگانی از این پدیده ارایه نشده و قدرت‌های بزرگ براساس تمایل و خواسته خود، آن را تعریف کرده و براساس آن تعریف، کشورهای فقیر و مسلمان را مورد نکوهش و انتقاد قرار می‌دهند.

به نقل از نشریه لوموند، «جامعه بین‌المللی» تاکنون نتوانسته تعریفی برای تروریسم ارایه دهد. به این ترتیب، این مقوله، یک اندیشه تجریدی استنباطی باقی مانده است. از همان سال ۱۹۳۷، جامعه ملل به دلیل نبود توافقی میان دولت‌های عضو، موفق نشد کنوانسیون برای پیشگیری و سرکوب تروریسم تدوین نماید. سازمان ملل متحد نیز به همان دلیل و به زعم سازماندهی مباحثه‌های فراوان نتوانست در طول شصت سال عمرش

ماهیت تروریسم را تعریف کند^(۱۴). واقعیت این است که تروریسم، پدیده جدیدی نیست و چه بسا عمر آن به قدمت جوامع انسانی مبتنی بر ظلم و استکبار است. «ماتیو کار» در کتاب خود با عنوان «سربازان گمنام»، برخلاف رویه معمول رسانه‌های غربی تلاش کرده که با افراد به اصطلاح تروریست، از دید غربی‌ها مصاحبه کرده و با نیات و مقاصد آن‌ها آشنا گردد. وی در آن کتاب، حقانیت بسیاری از آن افراد را اثبات کرده و رویکرد ناصادقانه غرب را آشکار می‌سازد^(۱۵).

در لغت‌نامه‌ی دهخدا، تروریسم به معنای اصول حکومت وحشت و فشار (اصول حکومتی که در فرانسه‌ی حداثه‌ی سال‌های ۱۷۹۳ و ۱۷۹۴ حاکم بود) آمده است. در کتاب فرهنگ علوم سیاسی آمده است: «در زبان فارسی، این کلمه به اصلی گفته می‌شود که در آن، از قتل‌های سیاسی و ترور دفاع شود». در دیگر فرهنگ‌های فارسی نیز تروریسم به معنی «لزوم آدم‌کشی و تهدید و خوف و وحشت در میان مردم، برای دستیابی به هدف‌های سیاسی؛ و یا برانداختن حکومت و در دست گرفتن زمام امور دولت، یا تفویض آن به دسته دیگری است که مورد نظر می‌باشد». این عقیده معمولاً از ابزار اصلی فاشیسم، ماکیاولیسم و مکاتب مشابه می‌باشد. کلمه‌ی «ارهاب» یا تروریسم، به معنی ترس و ترساندن است که مصدر آن «رهب» است. در فرهنگ لغات، وجه مشترک بین این کلمه و اکثر مشتقات کلمه «رهب»، به معنی ترس و ترساندن است. در زبان انگلیسی، اصل کلمه Terror، به فعل لاتینی Ters برمی‌گردد، و به معنی «ترساندن» یا «ترس و وحشت» است که بیشتر مشتقات آن پیرامون همین معانی مشخص می‌چرخند. کلمه

تروریسم در زبان فرانسه برای اولین بار در حوزه‌ی سیاسی به کار رفت. اگر به آن مراجعه کنیم، درمی‌یابیم که کلمه *Terrorisme* یا *Terreur* همان معانی گذشته را دربردارد. «تروریسم دولتی^۱، نیز اصطلاحی است ناظر به دخالت دولت یا دولت‌هایی در امور داخلی و یا خارجی دولتی دیگر؛ که به منظور ایجاد رعب و وحشت، از طریق اجرا و یا مشارکت در عملیات تروریستی و یا حمایت از عملیات نظامی، به منظور زوال، تضعیف و براندازی دولت مذکور و یا دستگاه رهبری آن صورت می‌گیرد.^(۱۶)

با توجه به معانی فوق، در تعریف لفظی کلمه‌ی تروریسم، به طور خلاصه می‌توان گفت که تروریسم به معنی ترس، ترساندن و وحشت است. اما تعریف نظری قاطع و مشخص از این پدیده قدری دشوار است. به طور کلی؛ حتی هنوز سازمان ملل نیز تعریف کامل و مانعی از این پدیده ارایه نداده است.^(۱۷) در این مقاله، آن رویکرد تروریستی مورد نقد و بررسی قرار گرفته که از سوی ابرقدرت‌ها اعمال شده و موجب محرومیت مردم و ملت‌های آفریقایی از دستیابی به خواسته‌های خود شده و به گفته رابرت چمبرز «تله محرومیت» را برای آن‌ها دایمی کرده است.

فقر و نابرابری از عوامل گسترش تروریسم در آفریقا^(۱۸)

از آنجایی که کشورهای غربی درخصوص رشد و گسترش تروریسم در آفریقا افراط کرده‌اند، نخست به بررسی شرایط آفریقا و چگونگی رشد آن پدیده پرداخته و نظرات اندیشمندان را مورد کنکاش قرار خواهیم داد. آفریقا از ثروتمندترین قاره‌های جهان

^۱ - State Terrorisme

محسوب شده و در جای جای آن خطه، می‌توان به وفور مواهب الهی را مشاهده کرد. همان‌گونه که در آن خطه قبایل و زبان‌های متفاوت وجود دارد، به همان نسبت نیز می‌توان تنوع منابع و ذخایر الهی را مشاهده کرد. اما متأسفانه، مردم آفریقا از نعمت‌های الهی نهفته در آن سرزمین بهره‌مند نبوده و خود در فقر و تنگدستی به سر می‌برند.

نگاهی به واقعیت‌های اقتصادی موجود در جهان نشان از تبعیض و فقدان عدالت داشته و ادعای نظام سرمایه‌داری را مبنی بر این که کاپیتالیسم تنها نظام کارا و قابل قبول در جهان است، به چالش می‌کشد؛ از جمله آفریقایی‌ها با حدود نهصد میلیون جمعیت تنها صاحب یک درصد از تجارت جهانی هستند.^(۱۹)

آمار فقر و نابرابری در توزیع درآمد و ثروت، نه تنها در جهان که حتی در آمریکا که مهد سرمایه‌داری به شمار می‌رود نیز بسیار نا همگون بوده و به باور پژوهش‌گران به تنش و چالش‌های جدی خواهد انجامید. پل کورگمن تخمین می‌زند که ۷۰ درصد از رشد درآمدی آمریکا در دهه ۸۰، به جیب یک درصد خانواده‌های ثروتمند آمریکایی رفته است. از نظر میزان ثروت‌ها، در سال ۱۹۹۵ در آمریکا، یک درصد خانوارهای ثروتمند، ۴۲/۲ درصد از کل سهام، ۵۵/۷ درصد از اوراق قرضه، ۴/۷۱ از مشاغل غیر تعاونی و ۹/۳۶ درصد از دارایی‌های غیرخانگی را در تصاحب دارند. با احتساب نابرابری‌های درآمدی، این نابرابری در بیست سال گذشته، در حال افزایش بوده است. بدون شک، این نابرابری عظیم و در حال رشد، ادعای تساوی فرصت‌ها را در جهان وبه ویژه جهان سوم به استهزا می‌گیرد. فقر و بدبختی در کشورهای جهان سوم بیداد می‌کند و میزان مرگ و میر کودکان بسیار بالا است. علاوه بر آن نابرابری‌های درآمدی، فقدان کار و پیشه، بی‌سوادی

و محرومیت، عوارض ناخواسته بسیاری را در تعامل آدمیان به وجود می‌آورد. نابرابری بزرگ و در حال رشد، کم‌کم قدرت سیاسی طبقات پایین دست را از بین می‌برد و در نتیجه، برنامه‌های تأمین اجتماعی که تا حدی از آسیب‌های ناشی از فقر می‌کاهند، رو به زوال می‌گذارد و به طور همزمان، سیاست‌هایی که بیشتر به نفع قشر ثروتمند است، جایگزین می‌شود و طبقه فقیر با دیدن شکاف بزرگ بین خود و طبقه ثروتمند، روز به روز دلسردتر و ناامیدتر می‌شود.^(۲۰)

اکنون، جهان از شکاف بین فقرا و ثروتمندان بیش از همیشه است. در سال ۱۸۲۰، درآمد سرانه در اروپای غربی، سه برابر درآمد سرانه در آفریقا بوده است. در دهه ۹۰، این میزان به سیزده برابر رسید. اما «امروز، آمارها شرم‌آورند: بیش از سیزده میلیون کودک در دهه گذشته بر اثر اسهال درگذشته‌اند. هر سال بیش از نیم میلیون زن هنگام حاملگی یا زایمان جان سپرده‌اند و بیش از هشتصد میلیون نفر دچار سوء‌تغذیه بوده‌اند». علاوه بر آن، «دهه ۹۰، برای بیشتر کشورها دهه یأس و ناامیدی بود. حدود پنجاه و چهار کشور، اکنون فقیرتر از ۱۹۹۰ هستند. در بیست و یک کشور، قسمت عمده‌ای از جمعیت گرسنه‌تر شده‌اند. در چهارده کشور، بیشتر کودکان قبل از رسیدن به پنج سالگی می‌میرند و در سی و چهار کشور، امید زندگی پایین آمده است».^(۲۱)

اخیراً، آقای عمر کوناره، رئیس کمیسیون اتحادیه آفریقا، در نشستی علمی در مرکز مطالعات آفریقا در وزارت امور خارجه اعلام داشت که حضور بیش از یک میلیارد فقیر و گرسنه در آفریقا، تهدیدی جدی برای همه جهان خواهد بود.^(۲۲) گفتنی است که هنوز فقر در آفریقا بیداد کرده و از هر پنج آفریقایی، دو نفر در زیر خط فقر و با ماهی کمتر از بیست

دلار زندگی می‌کنند. در آفریقا هم‌چنین بیشترین نابرابری در توزیع ثروت مشاهده می‌شود. در آن جا نیمی از کودکان از ثبت نام در مدارس محروم هستند. در آفریقا به رغم تلاش برای بهبود شرایط بهداشتی، مرگ‌ومیر ناشی از بیماری مالاریا افزایش یافته و امید به زندگی در برخی کشورها کاهش یافته است. در حالی که در دیگر قاره‌های جهان آمار مبتلایان به ایدز ثابت مانده، در آفریقا شمار بیماران به آن بیماری رو به فزونی بوده و به سی میلیون نفر رسیده و سالانه سه میلیون نفر نیز بر تعداد مبتلایان افزوده می‌شود.^(۲۳) به باور صاحب‌نظران، در آفریقا بین فقر و گسترش بیماری ایدز رابطه مستقیمی وجود داشته و هر یک در تشدید عامل دیگر مؤثر است.^(۲۴) در آفریقا ۷۰ درصد مردم روستایی در فقر مفرط بسر برده و از بسیاری از مواهب زندگی محروم شده‌اند. حتی پیدایش کودک سربازها و مصایب ناشی از آن پدیده را نیز به فقر و تنگدستی مردم نسبت داده که به مشکلات بیشتر در جامعه خواهد انجامید.^(۲۵)

بررسی تاریخی پدیده تروریسم

به باور دکتر علی بیگدلی، مدیر گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ترور و تروریسم از دیدگاه کلان تاریخی ریشه در عمق تاریخ دارد که نمونه‌های آن را در امپراطوری روم و ایران شاهد بوده‌ایم. اما تروریسم زمانی به صورت تئوریک مطرح شد که برای نخستین بار به عنوان یک حزب در ساختار روشنفکری روسیه در اواخر قرن نوزدهم شکل گرفت. تئوری ترور در این دوره، ایجاد یک فضای رعب و وحشت است که از طریق ایجاد فضای ترور، دولت امپراطوری روسیه را تحت فشار قرار

دهند تا از یک طرف، امپراطوری دست از شیوه‌های سیاست استبدادی مخلوط شده با تمایلات مذهبی بردارد و از سوی دیگر، بر روشنفکران روسی که تحت‌تأثیر جو روشنفکری در غرب و خواهان دموکراسی بودند، تأثیر بگذارند؛ بنابراین برای اولین بار در روسیه تروریسم به‌عنوان یک نهاد سیاسی و گاهی در قالب یک حزب، شروع به فعالیت کرد. بیشتر احزاب چپ از این شیوه استفاده می‌کردند و استدلال آن‌ها این بود که مارکس در مانیفست حزب کمونیست که در سال ۱۸۴۸ به‌عنوان منشور حزب مطرح کرده است، معتقد بود که تضاد طبقاتی به جایی می‌رسد که پروتاریا برای حذف بورژوازی باید مسلح شود. مارکس معتقد بود که ریشه‌کن کردن سرمایه‌داری جز از طریق توسل به زور میسر نیست؛ بنابراین از آن زمان به بعد، تروریسم به حربه‌ای در دست گروه‌های چپ‌گرا برای مبارزه با سرمایه‌داری و به دست آوردن قدرت از طریق انقلاب‌های ناگهانی تبدیل شد.^(۲۶) اما تروریسم دولتی، زمانی شکل گرفت که دولت‌ها برای رسیدن به اهداف سیاسی خود و شاید حذف فیزیکی نیروهای مخالف خود از طریق تأسیس و برقراری شبکه‌های اطلاعاتی - امنیتی دست به تنظیم این روش تروریستی زدند. منظور از تروریسم دولتی، تروریسمی است که در درون دولت با آموزش‌های سیاسی - خرابکاری اطلاعاتی و ضداطلاعاتی شکل می‌گیرد و دولت‌ها برای رسیدن به اهدافشان، تروریسم را در قالب و چارچوب کودتاهای نظامی به کشورهای دیگر صادر می‌کنند. تروریسم دولتی را بیشتر کشورهای امپریالیستی بعد از جنگ جهانی دوم به کار گرفتند و نمونه آن، در خاورمیانه، اسرائیل بود که انگلیسی‌ها در خاورمیانه و آفریقا برای حذف نیروهای رقیب و ضداستعماری از آن استفاده می‌کردند و امروز، تقریباً همه کشورهای دنیا از تروریسم دولتی حمایت می‌کنند.

استعمارگران اشغال‌گر با شیطانی جلوه دادن مبارزان راه آزادی، سرکوب خونین آنان را توجیه می‌کردند. «ماتیو کار» یادآوری می‌کند که سرکوب‌کنندگان، «این تروریست»ها را راهزن، جانی، تبه‌کار، هیولا، ازدها و انگل می‌نامیدند. برای مثال، یک نمونه‌ی آن مائوئوها در کنیا بودند که در سال‌های ۱۹۵۰، دولت استعماری بریتانیا، آنان را اعضای یک «فرقه شیطانی» معرفی می‌کردند، زمانی که روزنامه بسیار وزین نیویورک تایمز حکیمانه توضیح می‌داد که قیام مردم کنیا «سرخوردگی مردمی وحشی (... است که قادر به تطبیق خویش با پیشرفت و تمدن نیستند». پیرو آمار رسمی که بعدها منتشر شد، روشن گردید که افرادی که «تشنه خون» معرفی شده بودند، در عمل و در طول هفت سال قیام، سی و دو مأمور استعماری و صد و شصت و هفت نظامی را کشته‌اند که صد و یک نفرشان آفریقایی بودند. در مقابل، نیروهای امنیتی بیست و دو هزار مائوئو را قتل‌عام کرده و چند صد هزار کنیایی را زخمی و مثله کرده یا از خانه‌هایشان رانده بودند. ماتیو کار که در میان نمونه‌های دیگر، از الجزایر هم یاد می‌کند، اضافه می‌کند که کلیه مناقشه‌های استعماری با به قدرت رسیدن رهبران به اصطلاح «تروریست»، به سرانجام رسیدند.^(۲۷)

مصادیق تروریسم در آفریقا از دید غرب

کارل ویکاف، معاون هماهنگی کمیته مبارزه با تروریسم،^(۲۸) در یک سخنرانی با عنوان «مبارزه با تروریسم در آفریقا»، در واشنگتن اظهار داشت که آفریقا مستعد حملات بین‌المللی تروریستی بوده و برای مقابله با آن پدیده، مکان بسیار مهمی به شمار می‌رود. البته از دیدگاه غرب که حوادث تانزانیا، کنیا، سومالی و دیگر کشورهای قاره را به صورت

مقطعی و جانبدارانه مورد بررسی قرار می‌دهد، این نگرش تا حدودی صحیح است و آفریقا مستعد برخی حوادث می‌باشد که بالطبع برتری و سلطه غرب را تحت سؤال قرار داده و خواهد داد^(۳۹). اما پرسش اساسی این است که چرا نوک پیکان این مبارزه متوجه غرب بوده و مردم آفریقا، غرب را مسبب مشکلات و نابسامانی‌های موجود و غاصب و استثمارگر قلمداد می‌کنند. در واقع، دلیل این که رسانه‌های غربی هرگونه مخالفت و ناخرسندی مردم را در آفریقا دلیل گسترش تروریسم دانسته‌اند چیست. پرسش اساسی دیگر، این است که چگونه می‌توان با تروریسم و عوامل آن در آفریقا مبارزه کرد. شاید مناسب‌ترین پاسخ درخصوص گسترش تروریسم در آفریقا، گفته رئیس‌جمهور غنا، آقای کوفور، باشد که در سفر خود به لندن خطاب به رهبران کشورهای غرب اعلام کرد که فقر موجب رشد و گسترش ناامنی، از بین رفتن کرامت انسانی و حقوق بشر در آفریقا شده و به تروریسم منجر می‌گردد^(۴۰). واقعیت این است که نمی‌توان مردم را به مدت طولانی از تمامی مواهب زندگی و حیات محروم ساخته و انتظار داشت که مردم آفریقا هم‌چنان با متانت و خوشرویی نسبت به بیگانگان رفتار کرده و اجازه بدهند به بهای فقر و تنگدستی مردم آفریقا، بیگانگان به ثروت و مکنّت برسند.

اکنون، آگاهی عمومی در آفریقا به دلیل تحول در شیوه‌های اطلاع‌رسانی، گسترش علم و دانش و تلاش نخبگان و علمای دینی برای آشنا کردن مردم با حقوق خود افزایش یافته و مردم آفریقا دیگر نمی‌توانند بر زیاده‌خواهی دنیای غرب و چپاول ذخایر و منابع خود بی‌اعتنا باشند. مخالفت مردم آفریقا با زیاده‌خواهی‌های غرب و عدم پذیرش خواسته‌های

استکباری اکنون موجب نگرانی دولتمردان غربی شده و به گزارش نیویورک تایمز، آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که اکنون ترور بر جهان سایه افکنده است^(۳۱).

در گزارشی که اخیراً در سومین کنفرانس سالانه سیاست خارجی آفریقا منتشر شده، از ده کشوری که از نظر امنیتی شرایط بسیار وخیمی دارند، هفت کشور در آفریقا می‌باشد که اتفاقاً از فقیرترین کشورهای قاره هستند^(۳۲). در این بررسی که براساس دوازده عامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی صورت گرفته، سودان، چاد، سومالی، زیمبابوه، ساحل عاج، کنگو و گینه از نظر امنیتی شرایط وخیمی دارند. متأسفانه، در تمامی آن کشورها به روشنی می‌توان حضور کشورهای خارجی و تلاش آن‌ها برای حفظ منافعشان را احساس کرد. البته استبداد رأی و بی‌توجهی به خواسته‌های مردم نیز از دلایل ناامنی در آن کشورها به شمار می‌رود؛ از جمله این که سه کشور از هفت کشور ناامن آفریقا چاد، سودان و زیمبابوه، دارای رؤسای هستند که بیش از پانزده سال سابقه حکومت دارند. کشورهای فقیر و ناامن، نه تنها تهدیدی برای خود که در واقع، تهدید جدی برای صلح و امنیت جهانی به شمار می‌روند.

شبکه ورلد پرس می‌نویسد که با حمله به سفارت آمریکا در نایروبی و تانزانیا در سال ۱۹۹۸، نخستین نشانه‌های حضور تروریسم بر جهانیان آشکار شد و این که این پدیده یکی از نیروهای محرکه جهانی در قرن بیست و یکم خواهد بود^(۳۳). آقای والتر کتانستینر نیز در سخنرانی در جمع نمایندگان سنای آمریکا با عنوان «دولت‌های ضعیف و تروریسم در آفریقا»، به بررسی پدیده تروریسم در آفریقا و زبان‌های آن برای کشور آمریکا پرداخت^(۳۴). وی در سخنرانی خود، به عوامل تشدیدکننده تروریسم در آفریقا اشاره کرده و

با اظهار نگرانی از گسترش ناامنی در آفریقا و شیوع آن به دیگر نقاط جهان، خواستار توجه جدی به آن مقوله شده است^(۳۵). اما واقعیت این است که تروریسم قرن‌هاست که از سوی غرب بر آفریقا سایه افکنده و زیان‌های مادی و معنوی بسیاری برای مردم آن قاره داشته است. رئیس اتحادیه آفریقایی در سخنرانی خود در وزارت امور خارجه، به درستی تصریح کرد: آفریقا قاره‌ای فقیر نیست، بلکه قربانی میراث استعمار است^(۳۶). این که آفریقا در حاشیه تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قرار داشته و سهمی معادل یک درصد از اقتصاد جهانی را به خود اختصاص داده و از اعتبار و اهمیت چندانی برخوردار نیست، نشان از تأثیر استعمارگران بر آن قاره داشته و این که آن قاره با ادامه شرایط کنونی روی آسایش نخواهد دید.

واقعیت این است که تروریسم بیش از آن که مورد حمایت مردم محروم و آسیب‌دیده باشد، از سوی قدرت‌های سرکوب‌گر و انحصار طلب مورد استفاده قرار گرفته است. برای مثال، والتر رودنی در کتابش «اروپا موجب عقب‌افتادگی آفریقا شد»، نشان داده که قرن‌ها قدرت‌های اروپایی از طریق تروریسم دولتی منابع و ذخایر کشورهای آفریقایی را به یغما برده و هرگونه مخالفت مردم را به شدیدترین وجه سرکوب می‌کردند^(۳۷).

پیامد جنگ فقر و غنا در آفریقا

با نگاهی به شرایط وخیم مردم در آفریقا، در می‌یابیم که مبارزه فقر و ثروت در آن قاره یک امر طبیعی و غیرقابل اجتناب و نظم موجود، شکننده و ناپایدار است. در آن جا قوانین نامناسب، تحمیل شرایط غیرانسانی، فقدان نهادهای مدنی، فقدان حاکمیت قانون و

مقررات، استبداد رأی مسؤولان، باعث نابودی حرکت‌های دموکراتیک و مردمی شده و این امر، موجب پدیدار شدن برخی جنبش‌های مردمی برای مبارزه با زیاده‌خواهی‌های حکومت‌های استبدادی و حامیان خارجی آن‌ها شده است؛ گرچه نمی‌توان بر حقانیت برخی گروه‌های معارض دولت نیز تأکید کرد؛ چرا که آن‌ها برای پیشبرد امور خود از هر وسیله‌ای استفاده کرده و چه بسا از جاده انصاف و اعتدال خارج می‌شوند؛ چنان‌که اخیراً دولت آفریقای مرکزی با حمایت و تأکید سازمان ملل متحد توافقنامه‌ای را با مخالفین و شورشیان امضا کرده که به موجب آن، شورشیان از استخدام سرباز کودک‌ها اجتناب کنند^(۳۸). متأسفانه، نمایندگان دولت‌های غربی که وظیفه خود را مقابله با تروریسم می‌دانند، به جای این‌که به بررسی و تحلیل رویدادها پرداخته و مشکلات را درک و به رفع آن‌ها اقدام کنند، به جنبش‌های مردمی لقب تروریست داده و خواهان سرکوب آن‌ها شده‌اند. آن‌ها به رهنمودها و پیشنهادهای نخبگان، تحصیل‌کردگان و نسل جوان آفریقایی که با درک ژرف و صحیح شرایط به دنبال یافتن راه‌حل‌های مناسب و اصلاح‌گرایانه هستند، توجهی نداشته و پیوسته در صدد افزایش همکاری نظامی و امنیتی با دولت‌ها برای حفظ وضع موجود هستند^(۳۹). تصویر کشورهای غربی از تروریسم دارند، این است که گروهی به اصطلاح تروریست با کیف‌های پر از دلار و دیگر ارزهای معتبر همراه مقداری مواد منفجره به کشورهای آفریقایی سفر کرده و با وسوسه افراد ساده‌دل و اغوای آن‌ها به وسیله پول به برخی حملات تروریستی دست می‌زنند. به همین جهت، همکاری غرب با کشورهای آفریقایی عمدتاً مصروف جلوگیری از انتقال ارز و واردات سلاح است^(۴۰). به نظر می‌رسد که آن‌ها به رغم پژوهش‌های ارزشمندی که توسط خود غربی‌ها انجام شده و

شرایط آفریقا را برای مردم بسیار اسفبار و نگران‌کننده توصیف کرده‌اند، به حقایقی که در آن قاره وجود داشته و به تنگناهای زندگی مردم عنایتی نداشته و اصولاً رفاه حال مردم در نزد آن‌ها فاقد اعتبار و اهمیت است. در این زمینه، به کتاب آقای هوارد فرنچ با عنوان «قاره‌ایی برای چپاول» اشاره می‌شود که به زیاده‌خواهی‌های غرب در آفریقا اشاراتی سودمند دارد^(۴۱). خوشبختانه نخبگان، تحصیلکرده‌ها و عموم مردم آفریقا با مشاهده تدریجی نابودی جوامعشان، تحلیل رفتن فرهنگ‌هایشان و باقی ماندنشان در محیطی که در آن کرامت انسانی فاقد اعتبار است، به بی‌اعتباری رهنمودهای غربی‌ها پی برده و به تدریج به سمت ادیان الهی گرایش پیدا کرده و خواهان حاکمیت خرد و اخلاق بر روابط و تعامل اقشار و جوامع گوناگون شدند. آن‌ها با توجه به ضرورت حزب و تشکیلات در آفریقا به این عمل اقدام کرده و از قوانین پیروی کامل داشتند. برای مثال، گروه موسوم به «حزب‌الله» در الجزایر پس از پذیرش شیوه مردم‌سالاری از سوی دولت تشکیل و براساس قوانین به تبلیغ مواضع خود پرداخت^(۴۲). آن گروه‌ها در این راستا به مبارزه با استکبار و عوامل آن پرداخته و با صبر و متانت اهداف خود را پیگیری می‌کنند، گرچه گهگاه به مقتضای شیوه خشن رقیب برخورد خشونت‌آمیز را بر انفعال سیاسی ترجیح داده‌اند؛ از جمله این‌که برخی گروه‌های اسلامی به دلیل سرکوب بی‌رحمانه دولتی به سوی گروه‌های تندرو مانند القاعده گرایش پیدا کرده‌اند. گرچه گناه این امر نیز متوجه استکبار است که اجازه فعالیت آزاد و مردمی به گروه‌ها نمی‌دهد^(۴۳). واقعیت این است که بحران کشورهای آفریقایی با حضور استعمارگران و تغییراتی که در زیرساخت کشورهای آفریقایی به نفع خود

انجام دادند، به وقوع پیوسته و تا وقتی که حضور استعمارگران و سلطه آنان در تمامی ابعاد آن خاتمه نیابد، ادامه خواهد داشت.

دل سردی آفریقا از حمایت غرب البته بحرانی که غرب به آن لقب تروریسم و گروه‌های معارض با سلطه غرب داده، زمانی آشکار گردید که مردم کشورهای آفریقایی راه‌حل‌های موردنظر غرب را نیز آزموده و ناامید شدند^(۴۴). در طول چهل سال پس از استقلال دنیای غرب، به مدد سازمان‌های مالی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بر اقتصاد کشورهای آفریقا سلطه داشته و حاصل آن بدهی بیشتر، فقر و محرومیت برای مردم بوده است. گفتنی است که امروز، حاکمیت آفریقا توسط کشورهای این قاره مورد تهدید قرار نمی‌گیرد، بلکه این حاکمیت توسط بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به خطر افتاده است^(۴۵).

در زمینه گسترش مردم‌سالاری نیز مردم آفریقا با بردباری و سلامت نفس، بلوغ سیاسی خود را اثبات کرده، اما حاکمیت و دنیای غرب هر جا که مخالف با منافع خود بود، دست به کودتا زده و شیوه مورد نظر خود را اعمال کرد. چنان‌که حوادث کنگو در زمان لومامبا و غنا در زمان نکرومه شاهدی بر رفتار آزمندانه غرب در دهه ۶۰ و انتخابات الجزایر در ۱۹۹۱ از آن شمار بوده و نشانگر علاقه مردم به رویکردهای صلح‌جویانه و مردم‌سالارانه بوده است. در آن انتخابات که مردم به صورت آزادانه و با رعایت موازین دموکراسی به جبهه رستگاری اسلامی موردنظر خود رأی دادند، برخی گروه‌های قدرت‌طلب با حمایت غرب آن رأی‌گیری را نپذیرفته و بی‌اعتنا به رأی مردم به سلطه استکباری خود ادامه داده و حتی حزب

مذکور را غیر قانونی اعلام کردند^(۴۶). در نتیجه، مردم از انتخابات دلسرد شده و در انتخابات سال ۲۰۰۷، بخش زیادی به دلیل بی‌اعتمادی به دولت در انتخابات شرکت نکردند^(۴۷). واقعیت این است که سیاست قدیم و سنتی غرب در آفریقا که هنوز نیز مورد تأیید غرب است، همواره بر دفاع از رژیم‌های دیکتاتور و بی‌ارتباط با منافع مردم تأکید داشته و همین امر، به افزایش بدبینی مردم از غرب منجر شده است؛ از این رو اکنون که فرصت برخی اظهارنظرها فراهم شده، مردم ناخرسندی و نگرانی خود از تعامل غرب با آفریقا را به صور مختلف بیان داشته و حتی خواهان عذر خواهی غرب برای رفتار غیرانسانی به ویژه در امر برده‌داری شده‌اند^(۴۸).

اقبال عمومی به رویکردهای بومی

گفتنی است که فساد مالی دولت‌های پیشین، فقر گسترده، کودتاهای متعدد و مؤید به حمایت غرب، سوءاستفاده از نهادهای دولتی و آرمان‌های مردمی مانند مردم‌سالاری، عدالت و آزادی در کشورهای آفریقایی عاملی تعیین‌کننده در گرایش جمعیت این کشورها به اتخاذ شعارهای ضدغربی و رجوع مجدد به باورهای ملی و بومی بوده است. این که اجتماعات اسلامی در آفریقا رستگاری و صلاح خود را در بازگشت به دین دانسته و در جهت اجرای قوانین شریعت تلاش کرده و احزاب اسلامی شانس بیشتری برای پیروزی داشته و محاکم اسلامی در سومالی توان بسیج مردم را داشته و در راستای بهبود شرایط مردم تلاش می‌کنند و یا حتی اندیشه‌های دینی بومی مورد توجه و عنایت مردم قرار گرفته، نشان از استقبال مردم از رویکردهای دینی و بومی دارد. این امر، اختصاص به

مسلمانان نداشته و ارباب کلیسا نیز متوجه شده‌اند که باید در امور سیاسی دخالت داشته و افراد مؤمن و متقی در امور سیاسی دخالت کرده و سرنوشت مردم را تغییر دهند^(۴۹). اما رؤسای کشورهای غربی این علاقه مردم به رویکردهای بومی را بر نتافته و خواهان نابودی آن‌ها شده‌اند. این رویکرد غرب نشان از ناسازگاری غرب با مصالح و رستگار شدن مردم آن خطه دارد.

عوامل دیگری نیز موجب جدایی آفریقا از غرب و تحولات نوین در آفریقا شده که از آن جمله به گسترش روابط جنوب - جنوب، پیوندهای گسترده آفریقا با چین، هند و کشورهای آمریکای لاتین اشاره کرد. علاوه بر آن، تأسیس اتحادیه آفریقا موجب همگرایی بیشتر قاره شده و این اتحاد می‌تواند به طرح مطالبات نوین و جدی منجر گردد؛ از جمله این که اتحادیه آفریقا خواهان ملی کردن ذخایر و معادن، زمین‌ها و کارخانجات بزرگ شده و اجازه استفاده از منابع آفریقا را مشروط به تصویب اتحادیه و نظارت کمیسیون منتخب از سوی دولتمردان قاره کند. گسترش فناوری‌های ارتباطاتی و اطلاع‌رسانی و واقعیت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جدید نشأت گرفته از این تحول، جهانی شدن اقتصاد و به حاشیه کشیده شدن بیشتر آفریقا که موجبات فقر و تنگنای بیشتر مردم را فراهم آورده نیز از عوامل هشداردهنده محسوب می‌شود.

برخی از صاحب‌نظران مانند «مایکل پارتنی»، بین جهانی‌سازی و تروریسم نوعی ارتباط و پیوند قایل شده و بر این باورند که گسترش نقش کنترلی امتیازات انحصاری بر سراسر جهان، و تأثیر مخرب آن بر اقتصادهای ملی و محلی، موجب بروز ناخرسندی و اعتراض همگانی شده که غرب به آن برچسب تروریسم می‌زند.

برگزاری اجلاس G8 در کشورهای صنعتی و از جمله در سال جاری در آلمان و تمهیدات مهم امنیتی برای حفظ جان رؤسای هشت کشور صنعتی و اعتراض‌های گسترده مردم در اقصی نقاط گیتی از آن اجلاس، نشان از وخامت شرایط زندگی مردم و افزایش شکاف فقر و ثروت در جهان دارد. این که مقامات امنیتی، محل برپایی اجلاس را به شعاع هشت کیلومتر با استفاده از امکانات و تجهیزات مختلف از جمله سیم خاردار و دوربین‌های مدار بسته تحت حفاظت قرار داده‌اند، نشان از شدت هراس آن‌ها از اعتراضات همگانی دارد^(۵۰).

سران G8 که با برنامه‌ریزی‌های خانم مرکل قرار است توجه ویژه‌ای به کشورهای آفریقایی داشته باشند، می‌دانند که مشکل اصلی جهان کنونی، بی‌عدالتی در توزیع ثروت و بی‌توجهی به فراهم آوردن فرصت مناسب برای همگان است. سران هشت کشور صنعتی که بیش از ۷۵ درصد درآمد جهانی را به خود اختصاص داده‌اند، می‌دانند که این نظم شکننده است و پایدار نخواهد بود. در آن اجلاس به موضوع فقر، ناامیدی عموم مردم، تروریسم، ناامنی، افزایش بیماری در جهان سوم، مهاجرت‌های گسترده از جهان سوم به دنیای غرب اشاره شده و راه‌حلی‌هایی ارائه گردید^(۵۱).

آقای رد کلیف، مدیر منطقه‌ای آفریقا در وزارت دفاع آن کشور، در سمیناری در ژوهانسبورگ به معضل پدیده تروریسم در آفریقا اشاره کرده و راه‌حل آن را گسترش امنیت، توسعه قانون و امور اقتصادی - مالی و شرایط بهداشتی بر شمرد^(۵۲). وی حتی پیش‌بینی کرد که در صورت ادامه روند کنونی جهان و بی‌توجهی به شرایط مردم در آینده، موج عملیات تروریستی افزایش یابد^(۵۳). در واقع، بی‌توجهی به نیازها و امیال مردم، سوءاستفاده از امکانات قاره، فقدان برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی برای جذب مردم، کم

بها دادن به آموزش و پرورش نسل جوان، رشد چالش‌های نژادی و دینی، بی‌توجهی دولتمردان و نخبگان سیاسی به خواسته‌ها و نیازهای مردم، فساد مالی و اداری گسترده و نقض قوانین موجب دلسرد شدن مردم قاره از بهبود شرایط از یک سو و طمع برخی گروه‌های تروریستی به استفاده از این اوضاع نامناسب از دیگر سو شده است. به همین دلیل جک استرا، وزیر خارجه انگلستان، در سال ۲۰۰۶ آفریقا را پایگاه جذب تروریست‌ها نامیده بود^(۵۴). از آن گذشته، دولت‌های ناپایدار و بی‌تفاوت نسبت به رفاه، آسایش و آینده مردم خود بزرگ‌ترین تهدید برای مردم به شمار رفته و فرصتی مناسب برای گروه‌های فرصت‌طلب و سودجو به وجود می‌آورند^(۵۵).

به گزارش بانک جهانی، حکومت‌های ناپایدار و شکننده که اکثراً در آفریقا هستند، دارای اقتصاد تک‌محوری، ضعیف و آسیب‌پذیر، حکومت‌های فاسد غیرشفاف، تنش‌های داخلی گسترده، ناامنی، روابط اجتماعی ناپایدار و شکننده، فساد اداری، سیاسی و اقتصادی، بی‌توجهی به قوانین و مقررات، فقدان راه کارهای مناسب برای پیشرفت و دستیابی به درجات عالی‌تر برای شهروندان علاقه‌مند می‌باشند^(۵۶).

تلقی غرب از مطالبات مردم آفریقا

متأسفانه، تصویر غرب از پدیده تروریسم با واقعیت سازگاری نداشته و نگاه دولتمردان غربی به آفریقا بر پایه داده‌های نادرستی بنا شده است. در حالی که جهان کنونی از فقدان عدالت، محرومیت گروه کثیری از مردم، بی‌توجهی به حقوق بشر و کرامت انسانی و غفلت از مهرورزی رنج می‌برد، رهبران غربی در این اندیشه‌اند که چگونه با تبنای

و فراهم آوردن تمهیدات لازم مانع حضور گروهی اندک از طرفداران القاعده در آفریقا شوند. آن‌ها از آن بیم دارند که به دلیل شرایط نامناسب قاره و گستردگی نارضایتی همگانی، حضور افراد القاعده نظم و امنیت کنونی را مختل کرده و زمینه‌های شورش گروهی را دامن بزند. مشکل اصلی، این است که اکنون جهان با مؤسسات عظیم مالی و شرکت‌های حقوقی بین‌المللی بسیار بزرگی روبه‌روست که کنترل عمده ثروت‌های جهان، کنترل جمعیت و کنترل قدرت ملت‌ها را در دست گرفته و خواست خود را بر آن‌ها تحمیل می‌کنند. در این شرایط، مردم آفریقا پیوسته احساس می‌کنند که شرایط زندگی آن‌ها وخیم‌تر شده و بر میزان محرومیت آن‌ها افزوده می‌شود. این که صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، عامل اصلی فقر در آفریقاست، مورد تأکید همگان بوده و همواره مورد نکوهش و اعتراض نخبگان جهانی و آفریقایی بوده است.^(۵۷)

البته پیشینه مداخلات غرب و از جمله ایالات متحده در سیاست داخلی کشورهای آفریقایی، در حافظه تاریخی جمعیت این کشورها نقش بسته و در بسیاری موارد به واکنش مردم در برابر نیروهای سیاسی که در نگاه آن‌ها مورد حمایت دولت آمریکا بوده، منجر شده است.^(۵۸) شاید این که رهبران و نخبگان آفریقایی پیوسته از غرب انتقاد کرده و غرب را مسؤول مشکلات و تنگناهای کنونی دانسته و به نقد سیاست‌های دولت‌های پرداخته، موجب این توهم شده که آفریقا مأمن تروریست‌ها شده و دیگر جای امنی در جهان وجود نداشته و به گزارش نیویورک تایمز، ترور بر جهان سایه افکنده است.^(۵۹)

نگاهی به تلاش‌های مردم و نخبگان آفریقا نشان می‌دهد که موج آزادی‌خواهی و توسعه در آفریقا در حال گسترش بوده و مبارزات مردم برای بهره‌مندی از حداقل امکانات

تا حدودی موفق بوده است. اکنون در بیش از چهل کشور آفریقایی، انتخابات صورت گرفته و منتخبین مردم پست‌های کلیدی را در اختیار گرفته‌اند. با این حال، یک نگاه گذرا به تقویم سیاسی کشورهای این قاره کافی است تا نزدیکی تغییرات احتمالی در آرایش سیاسی این کشورها و ناچیز بودن حاشیه امنیت دولت‌های فعلی مشخص شود. آفریقایی‌ها خواسته‌ای جز عدالت، بهبود شرایط اقتصادی، مردم‌سالاری و برآورده ساختن حداقل امکانات معیشتی ندارند.

نقش ادیان الهی در مقابله با تروریسم

دنیای غرب در آرزوی آن است که بی‌نظمی و عدم انسجام کنونی را که به زعم آن‌ها مانع بزرگی فراراه صلح، امنیت و توسعه است، ناشی از باورهای مردم مسلمان آفریقا و جهان دانسته و به طور کلی، تنگناهای به وجود آمده برای خود را به وسیله القای این مطلب که ادیان موجبات تنش گروه‌ها را فراهم کرده و به دشمنی مردم با یکدیگر دامن می‌زنند، مطرح ساخته و خواستار سبک شماردن باورهای دینی و اصول الهی گردد. این‌که آقای بوش در مراسم پرده‌برداری از فجایع دنیای کمونیست، آن‌را معادل اسلام دانسته و اظهار امیدواری می‌کند که شکست جهان اسلام نزدیک است، تنها یک باور شخصی و خصوصی نیست، بلکه جهان غرب در کلیت آن به این امر معترف بوده و به هر طریقی درصدد تضعیف اسلام و دیگر ادیان الهی است.^(۴۰)

در خصوص اسلام و تمامی ادیان الهی گفتنی است که رعایت اصول دینی و موازین اخلاقی برای تمامی مردم و گروه‌ها ضروری است و به هیچ وجه نباید اجازه داد که ساحت

پیامبران و ادیان الهی مورد بی‌احترامی قرار گیرند. در آفریقا ادیان نقش تمدن ساز داشته و موجب پیشرفت جوامع شده‌اند. ایجاد فرهنگ و تمدن سواحیلی نشان از همکاری زیبا و تنگاتنگ اسلام با باور بومی‌ها می‌دهد و این امر قابل تمجید و توجه است. متأسفانه، برخی گروه‌های ناآگاه و یا مخالف دین، مطالبی را مطرح می‌کنند که شایسته ادیان نبوده و به دشمنی‌ها می‌انجامد.

تروریسم، آن‌گونه که غرب ادعا داشته و مسلمانان را به آن متهم می‌کند، یک ایدئولوژی نیست، بلکه یک رویکرد و ابزار است. در واقع، هیچ اندیشه و دین الهی نمی‌توان یافت که در آن، ترور و ارباب مورد تأیید قرار گرفته باشد. ساحت مقدس ادیان الهی از این اتهام مبرا و منزه است. اما دنیای استکباری برای تحقق اهداف خود و کسب منافع مالی از هیچ اقدام خشنی فروگذاری نمی‌کند. جهان غرب بارها نشان داده که غیرمستقیم حامی و پشتیبان تروریست‌هاست. بحث تروریسم و مواد مخدر، یکی از مباحث مهم سیاسی، اجتماعی در جهان امروز است که زیان‌های بسیاری برای مردم کشورهای جهان سوم داشته و از سوی دنیای استکبار به آن دامن زده می‌شود. حتی به باور دیوید بروک به نقل از روزنامه نیویورک تایمز: چالش کنونی بین دنیای استکبار (آمریکا) و مسلمانان (جهان عرب) چندان ربطی به باورهای مذهبی بنیادگرایانه و اعتقادات حتی افراط‌گرایانه آن‌ها ندارد. بلکه این امر، به عدم شناخت آن دو از یکدیگر و فقدان گفت‌وگو مرتبط است^(۴۱).

اما واقعیت این است که فقدان امنیت کنونی، ناشی از جهانی‌سازی اقتصادی بدون فراهم آوردن زمینه‌های ملی، زیاده‌خواهی صاحبان صنایع بزرگ و شرکت‌های چندملیتی

است که به بهای فقر و تنگدستی مردم می‌خواهند بر حجم ثروت و دارایی خود افزوده و فاصله خود را با جهان سوم بیشتر کنند. در آغاز قرن بیست و یکم ما شاهد ظهور دوباره نئولیبرالیسم هستیم که با خصوصیات و عناصر جدیدی تقویت شده است. در آفریقا، کشورهای بسیاری، فشار شدید از طرف آمریکا را تجربه می‌کنند، این موضوع در مورد آمریکای لاتین نیز صادق است^(۶۲). به باور هابر ماس، غرب به جای محکوم کردن دیگران باید در رابطه با تمدن‌های دیگر توجه و حساسیت‌اش را عمیق‌تر کند و نسبت به خود برخورد انتقادی‌تری داشته باشد.

متأسفانه، به رغم پیشرفت‌های علمی بشر، جوامع انسانی در زمینه اخلاقی چندان رشد نکرده‌اند. از این‌رو با وجود مواهب الهی فراوان و نعم گسترده در آفریقا ما شاهد فقر، نابرابری‌های اجتماعی تحقیرآمیز، تبعیض‌های ناروا تنزل اخلاق، بی‌سوادی، محرومیت از امکانات بهداشتی و به حاشیه رانده شدن مردم هستیم. جناب آقای متکی در دیدار با رئیس کمیسیون اتحادیه آفریقایی اظهار داشتند که آفریقا سرزمینی سرشار از منابع با انسان‌های هوشمند است^(۶۳). اما همین قاره حاصلخیز و غنی اکنون شرایطی به مراتب وخیم‌تر از دهه ۸۰ دارد. از سوی دیگر عملیات نظامی، خشونت ساختاری از سوی برخی دولت‌ها و بی‌توجهی به نیازهای مردم وجه غالب رویکرد غرب و کشورهای غربی در آفریقا شده و امید مردم را به بهبود کاهش داده است. نگاهی به نامه فرهیختگان آمریکایی به بوش در خصوص افغانستان و عراق، یک وجدان آگاه در جهان را نشان می‌دهد که درصدد رفع مشکلات و جلب توجه دولتمردان بوده و به برخی مشکلات کنونی اشاره دارد^(۶۴). به گفته آن فرهیختگان، خشونت و دروغ در روابط اجتماعی ما رخنه کرده و ما را از گوهر

انسانی خود دور ساخته است. آن‌ها در واقع به شیوه دوگانه آمریکا درخصوص استعمار انتقاد کرده و آن را ناصحیح می‌دانند(۶۵).

واقعیت این است که اسلام و به طور کلی ادیان الهی، نقش اساسی در گسترش فرهنگ معنوی و اخلاق اجتماعی در تاریخ بشر از دیر باز تا امروز ایفا کرده و نقش تمدن‌ساز ادیان به ویژه در آفریقا بر هیچ کس پوشیده نیست. این که کشورهای استکباری با ترفندهای مختلف سعی در ایجاد تزلزل در روحیه دینی مردم جهان دارند، به نفع هیچ کس نخواهد بود. ادیان الهی تمامی ویژگی‌های لازم را برای اداره مناسب و عدالت محور جامعه داشته و به خوبی می‌توانند رستگاری بشر را تضمین کنند. همچنین از طریق تعامل ادیان می‌توان زمینه درک فرهنگ‌های گوناگون و متفاوت را فراهم ساخته و دوستی و مودت بین ملت‌ها را افزایش داد. حرکت و پویایی فرد در رابطه تنکاتنگ با مسایل دینی، فرهنگی و اجتماعی شکل گرفته و تاریخ نشان داده که تنها در فرایند تلاش‌های دینی است که آدمی می‌تواند خلاقیت انسانی خود را به نمایش گذارده و پیشرفت کند. دانش دینی نتیجه وحی، تلاش‌های پیگیر و طاقت‌فرسای پیامبران و مصلحان جهانی و تجربه انسانی است و تاریخ نشان داده که همواره در خدمت تحولات اجتماعی و پیشبرد شرایط انسان‌ها قرار داشته است. این تجربه و دانش را باید قدر دانسته و برای بهبود شرایط انسان‌ها در هزاره سوم از آن بهره گرفت.

کاربرد مردم‌سالاری در مبارزه با تروریسم در آفریقا

البته در کاربرد و تأثیر دموکراسی و مردم‌سالاری در آفریقا، هیچ گونه شک و تردیدی روا نیست. اما هنگامی که خانه از پای بست سست و ویران است، نمی‌توان به نقش‌های روی دیوار دلخوش کرده و آن‌ها را اصل قلمداد کرد. غرب در گذشته با حمایت از دیکتاتورها در چند دهه پس از استقلال، در راه استقرار مردم‌سالاری در آفریقا مشکل ایجاد کرده است و حتی اکنون نیز نمی‌خواهد به خواست‌های مردم توجه داشته و حاکمیت نمایندگان مردم را بپذیرد. آن‌ها حل مشکلات منطقه را یا در اشغال نظامی کشورها مانند سومالی و یا دستکاری در انتخابات مانند الجزایر و نیجریه دانسته و هنوز نیز نمی‌خواهند بپذیرند که زمان آن فرا رسیده که با دفاع از آزادی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی غرب و قطع حمایت از رژیم‌های دیکتاتور، این فرصت را برای مردم منطقه فراهم سازند که بر سرنوشتشان حاکم شوند و بدون تردید در آن حالت، احساسات ضدغربی کاهش یافته، رشد بنیادگرایی موردنظر گروه‌های تندرو با وقفه روبه‌رو شده و تروریسم نیز زمینه‌ی حضور پیدا نمی‌کرد.

واقعیت این است که عملکرد تقریباً نیم قرن اخیر غرب در آفریقا که پشتیبانی از رژیم‌های مستبد، غارت منابع و ذخایر، تحقیر مسلمانان و پیروان ادیان بومی و یا پیروان الهیات مسیحی بخش بومی، حمایت از نقض آزادی‌های مردمی و تحمیل قوانین ظالمانه اقتصادی خلاصه می‌شد، چهره غرب را به مردم آفریقا شناساند. اکنون دنیای غرب از نظر سیاسی، اقتصادی و حتی از بُعد اخلاقی در نزد مردم آفریقا جایگاهی نداشته و مردم می‌دانند که فقر، منازعات نژادی، نقض حقوق بشر و استبداد و بی‌عدالتی ناشی از غرب و

سیاست‌های استعماری است. غرب باید از حقوق مدنی و سیاسی مردم منطقه مانند آزادی مطبوعات، احزاب، انتخابات، و نیز حقوق اجتماعی آنان مانند حق اشتغال، مسکن، تغذیه، بهداشت، پوشاک، آموزش دفاع کند و برای استقرار حق و عدالت در تمامی زمینه‌ها بکوشد. تنها به این وسیله است که می‌توان با کسب رضایت نسبی مردم، راه گفت‌وگو و همزیستی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان و نژادهای گوناگون را در آفریقا هموار کرده زمینه‌های رشد بنیادگرایی و تروریسم را محدود نمود. بدون تردید، اگر حکومت‌های موجود در آفریقا عدالت، صلح، حقوق بشر، شفافیت، مسئولیت‌پذیری و خردمحوری در امور اقتصادی را پیشه کنند، می‌توانند نظم عادلانه را در کشور به وجود آورده و در مهار تروریسم موفق باشند. در واقع برخلاف نظر مدعیان غربی هدف اغلب گروه‌های مخالف با سلطه غرب و زیاده‌خواهی‌های آن‌ها نفی دموکراسی و نهادهای مربوطه نیست، بلکه اعتراض آن‌ها به بی‌عدالتی، شکاف طبقاتی، فروپاشی ارزش‌های اخلاقی، مخالفت با اشغال نظامی، دفاع از استقلال ملت، آزادسازی بخش‌های اقتصادی و تصمیم‌گیری دولتمردان براساس مصالح ملی است.

دموکراسی و تروریسم

ظاهراً، به نظر می‌رسد که استراتژی کاخ سفید در سال‌های اخیر توسعه به اصطلاح دموکراسی و آزادی‌خواهی در آفریقا به منظور مهار تروریسم باشد. این که البته تعمیم مردم‌سالاری، شفافیت در حکومت، بهبود شرایط اطلاع‌رسانی و گسترش آزادی برای جوامع آفریقایی مناسب بوده و به بهبود شرایط مردم خواهد انجامید، شکی نیست. اما این

که بدون رفع تنگناهای اقتصادی بتوان دشواری‌های زندگی مردم آفریقا را هموار کرده و به مخالفت عمومی که از سوی غرب به آن عنوان تروریسم داده می‌شود را پایان داد، از مباحثی است که بانک جهانی در گزارشی مبسوط بدان پرداخته و بهبود شرایط اقتصادی و رفاه عمومی را برای رفع تنگناهای موجود در آفریقا ضروری دانسته است. در واقع، نیاز اصلی پانصد میلیون مردمی که روزانه با بودجه کمتر از یک دلار در آفریقا زندگی می‌کنند، رفع مشکلات اقتصادی و فراهم آوردن حداقل امکانات برای زندگی اصل است. در غیر این صورت، بدون فراهم کردن حداقل شرایط مطلوب زندگی در استانداردهای نسبتاً پایین آن قاره نمی‌توان انتظار داشت که برخی تلاش‌های نمایشی مانند، کارهای رسانه‌ای، سازمان‌های غیردولتی علاقمند به بهبود شرایط زنان و یا حتی برگزاری انتخابات بتواند در رفع موانع و تنگناهای مردم مؤثر واقع گردد. چنان‌که اکنون در بیش از چهل کشور آفریقایی انتخابات صورت گرفته و مردم نمایندگان خود را انتخاب کرده‌اند. ولی شرایط اقتصادی و رفاهی مردم تغییر چندانی نکرده و مهم‌ترین خواسته آفریقایی‌ها حتی در هزاره سوم نیز داشتن آب سالم، حداقل امکانات سکونتی، برخورداری از آموزش و شغل است که در قالب برنامه هزاره سوم از سوی سازمان ملل تنظیم و به دولت‌های آفریقایی ابلاغ شده، ولی به گفته بسیاری از دولتمردان آفریقایی تحقق آن تا سال ۲۰۱۵ غیر ممکن است. (۶۶)

آفریقا از دولتمردان نیز اندک است؛ صداقت در کردار، شفافیت در اجرای امور، پاسخ‌گویی به مردم، مسؤولیت‌پذیری و تقسیم عادلانه ثروت و امکانات.

متأسفانه، مدعیان تروریست‌شناس غربی بدون توجه به ماهیت، اهداف و روش‌های گروه‌های اسلامی و یا ملی در آفریقا به مخالفین خود برچسب تروریست زده و درصد

انهدام آن‌ها برمی‌آیند. آن‌ها متأسفانه، هرگونه اسلام‌گرایی را پیروی از القاعده و آن را مساوی با تهدید و خرابکاری قلمداد می‌کنند. بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که حرکت به سوی استقرار دموکراسی، آموزش بیشتر و عدالت همه‌جانبه نیاز به توزیع عادلانه‌ی ثروت، قدرت، منزلت، اطلاعات و دانش و همراهی دولتمردان و فداکاری آن‌ها داشته و این امر، زمینه شکوفایی ملت‌ها را فراهم خواهد کرد.

ضرورت مبارزه با تروریسم در آفریقا

با نگاهی به تلاش‌های دنیای غرب در دو قرن گذشته، می‌توان درک کرد که آفریقا از نظر اقتصادی برای غرب بسیار مهم بوده و هرگونه تحولی در ساختار اقتصادی آن بر کشورهای غربی تأثیر می‌گذارد؛ از این رو مبارزه با تروریسم در آفریقا از سوی غرب، در واقع بهانه‌ای برای دخالت مستقیم کشورهای قدرتمند غربی در کشورهای دیگر و گسترش سلطه مستقیم خود می‌باشد. چنان‌که اکنون به خوبی می‌توان دریافت که حمله به افغانستان، عراق و سومالی و تهدید سودان به حمله نظامی، نه تنها به تهدیدات تروریستی پایان نداده که بر حجم و دامنه آن افزوده است. در واقع، اگر قرار باشد تروریسم مورد نكوهش قرار گیرد، باید آن سلطه‌ای که مانع اصلی پیشرفت و ترقی جوامع بشری است و موجب غارت منابع و ذخایر مردم محروم آفریقا و ادامه فقر می‌گردد، حکوم شده و مجبور به تأدیه غرامت گردد. اما به گفته رئیس جمهور کامرون متأسفانه، برخی رهبران کشورهای آفریقایی هنوز در خدمت کشورهای غربی هستند و هم آن‌ها اجازه نمی‌دهند که شرایط بهبود یافته و مردم به حقوق خود برسند.

تاریخ دوران گذشته دنیای غرب، نشانگر آن است که غرب با اهداف و برنامه‌های استثماری و استعماری در طول حیات خود به سرزمین و امکانات کشورهای ضعیف آفریقا چشم داشته و برای حفظ و گسترش حوزه نفوذ خود از هیچ اقدامی هر چند شرورانه فروگذاری نمی‌کردند.^(۶۸) آن‌ها در یک دوره، کشورهای جهان سوم را به زیر سلطه نظامی در آورده و عی در غارت و چپاول آنان کرده و هنگامی که به دلیل آگاهی مردم جهان سوم نتوانستند به استعمار مستقیم ادامه دهند، شیوه‌های دیگر را آزمودند؛ به این معنی که به صورت غیر مستقیم و با حمایت از عوامل وابسته به خود و با تشکیل حکومت‌های استبدادی به دنبال حفظ منافع خود بودند. حتی در سال‌های اخیر که برخی کشورهای آفریقایی مانند سودان و سومالی شیوه دیگری را برای اداره خود اتخاذ کردند، غرب حتی از حمله مستقیم نظامی نیز ابا نکرده و این خواسته منطقی و حق طلبانه آن‌ها را به شدیدترین شکل پاسخ داد. این امر، نشان می‌دهد که هنوز در روابط بین‌المللی ترور و ارباب حاکم بوده و جایی برای عدالت و انصاف وجود ندارد. در زمینه اقتصادی نیز جهانی‌سازی موجب تضعیف بیشتر کشورهای آفریقایی و افزایش سلطه غرب شده است. اما آفریقا بیش از آن‌که نیازمند برنامه‌های ضد تروریستی باشد، نیازمند^(۶۹) عدالت در روابط اقتصادی و سیاسی است.

درخصوص گروه القاعده که اکنون آمریکا ادعای مبارزه با آن‌ها را دارد، همه حقایق حاکی از آن است که آن‌ها مورد حمایت و عنایت همان کشور بوده‌اند، از مراکش و تونس تا افغانستان و از پاکستان تا اندونزی و فیلیپین تا کشورهای آفریقایی همه جا آمریکا این سیاست یعنی تقویت گروه‌های بنیادگرای اسلامی را به اشکال مختلف پیگیری و پشتیبانی کرده است. به گفته کوکر، استاد روابط بین‌المللی، انگیزه اصلی حکومت آمریکا در جنگ علیه

تروریسم، از دست دادن بخش مهمی از سیطره این کشور بر تحولات جهانی به خصوص پس از فروپاشی اردوگاه عقیدتی و نظامی شرق و تک قطبی شدن جهان است.^(۲۰)

توجه به نقش و کارکرد سازمان ملل در آفریقا

درخصوص نقش و کارکرد سازمان ملل با همکاری اتحادیه آفریقا در بهبود شرایط قاره و فراهم کردن محیط مناسب برای رشد و توسعه مردم، سخن بسیار است. برخی تا آن جا پیش رفته‌اند که سازمان‌های بین‌المللی و به ویژه سازمان ملل متحد را تنها سازمان مؤثر در رشد و توسعه قاره دانسته و امید خود را از دولت‌های محلی از دست داده‌اند. در این خصوص، آن‌ها اعلامیه هزاره سازمان ملل مبنی بر رفع فقر در قاره را بسیار مؤثرتر از بسیاری از وعده‌های دولتمردان آفریقایی قلمداد می‌کنند. گفتنی است که کوفی عنان، دبیرکل سازمان ملل متحد، در سال ۲۰۰۰، کمیسیونی متشکل از چهره‌های سیاسی فعال در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و نظامی را مأمور به تهیه گزارشی برای بهبود شرایط قاره کرد. آن‌ها موظف شدند که به تبیین عمده‌ترین عوامل تهدیدکننده امنیت و صلح بین‌المللی و چالش‌های پیش‌رو در قاره آفریقا با عنایت به مسایل اقتصادی و اجتماعی پرداخته و راه‌حل‌های مناسب را ارایه دهند.

گزارش تهیه شده توسط کمیسیون که مشتمل بر توصیه‌هایی برای مقابله با مهم‌ترین تهدیدات جامعه بشری به ویژه در آفریقا شامل فقر، گرسنگی، قاچاق(در تمامی ابعاد آن)، تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی، جنگ‌های داخلی، جنایات سازمان‌یافته، آلودگی‌های محیط زیست، بی‌سوادی و بی‌توجهی به آموزش و امنیت مردم و بیماری ایدز،

مالاریا و غیره بود. هدف این گزارش که به نام اهداف هزاره سوم مورد تأیید همه دولتمردان قرار گرفت، به منظور ایجاد «جهانی امن تر و مسؤولیت‌پذیری همگان» در سرلوحه کار دولتمردان آفریقا قرار گرفته و دیگر کشورهای جهان نیز موظف به همکاری و ارایه کمک به آن‌ها شدند. شاید بتوان گفت که آن برنامه در صورت اجرا بهترین شیوه برای رویارویی با تروریسم در آفریقا به شمار رفته و می‌رود.

در آن گزارش پیشنهاد شد که ساختار و کارکرد دولت‌ها به گونه‌ای تنظیم شود که موجبات امیدواری مردم، ایجاد رفاه و سلامتی، مسؤولیت‌پذیری رهبران و فراهم آوردن فرصت مناسب برای همگان در سرلوحه کار قرار گیرد. رئیس کمیسیون اتحادیه آفریقا در سخنرانی اخیر خود در تهران، اجرای برنامه موسوم به «اهداف هزاره» را مهم‌ترین وظیفه اتحادیه و کشورهای آفریقا قلمداد کرده و از کشورهای جهان برای تحقق آن امر دعوت به همکاری کرد. اگرچه قرار بود اعلامیه حقوق بشر و سازمان ملل متحد چنان بنیان نهاده شود که حقوق همگان به یکسان مورد توجه قرار گیرد، متأسفانه آن سازمان نیز گهگاه به وسیله‌ای برای اعمال سلطه بر کشورهای جهان سوم تبدیل شده و آلت دست سیاسی کشورهای بزرگ صنعتی قرار می‌گیرد؛ به ویژه پس از تجزیه‌ی شوروی، آمریکا به یگانه قدرت سیاسی تبدیل گردیده و در سر سودای سروری جهان را داشته و حتی مداخله در همه امور را حق خود می‌داند.

تغییر ساختار آفریقا و حضور زنان

به طور کلی، در آفریقا زنان جایگاهی فروتر از مردها داشته و قبیله و سنت‌های قبیله‌ای بر حقوق آن‌ها نظارت می‌کرد. اما پس از سلطه استعمار و گسترش شهرنشینی، شرایط و جایگاه زنان دچار تحول شده و دیگر سنت‌ها و باورهای قبیله‌ای پاسخ‌گوی نیاز آن‌ها نیست. البته روند جهانی‌سازی نیز شرایط زنان را تغییر داده و برخی تحولات مثبت و منفی را دامن زده است.

برای برخی در عصر جهانی‌سازی، برابری و مساوات زنان و مردان مهم‌ترین راه‌حل رفع تبعیض علیه زنان است. اما با توجه به شرایط آفریقا، فقدان حمایت دولتی، ضعف آموزشی، اندک بودن فرصت اشتغال برای زنان و دیگر امکانات حمایتی، این امر در حال حاضر عملی نبوده و تأکید بر آزادی و برابری زنان به مشکلات بیشتر دامن خواهد زد. واقعیت این است که زنان آفریقایی در جهانی کم و بیش پدیرسالارانه و مرد محور و خشونت بار به سر می‌برند.^(۲۱)

البته مقدمات تغییر ساختار نگرش جنسیتی در آفریقا فراهم آمده و در نهایت مورد تصویب دولت‌ها و مردم قرار خواهد گرفت. اما این امر، نیاز به حمایت دولت و نهادهای دینی دارد. نهادهای اسلامی با توجه به قوانین و اصول حیات بخش اسلام، اکنون می‌توانند تا بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی برخی باورهای تادرست دینی را از اذهان مردم زدوده و بر کرامت انسانی و حقوق گسترده‌ای که اسلام برای آن‌ها قایل شده، تأکید نمایند. در این زمینه گفتنی است که یکی از اشکال دهشتناک تروریسم غربی، قاچاق کودکان و زنان برای اغراض شیطانی است. سازمان‌های غیردولتی و نهادهای دینی باید با

این پدیده به شدت مقابله کرده و با آگاه ساختن مردم آفریقا از ادامه استثمار زنان و کودکان توسط دنیای استکبار جلو گیری کنند .^(۷۲)

رویکردهای کاربردی برای مقابله با پدیده تروریسم

واقعیت این است که به تصریح قطعنامه‌ها و مطالب مطروحه در سمینارهای متعدد که برخی با حضور رهبران و نخبگان جهانی مطرح شده، مبارزه با تروریسم نیاز به همکاری جهانی در جهت رفع فقر، فساد، فحشا، ارتشا، قاچاق مواد مخدر و انسان، فراهم آوردن حداقل امکانات آموزشی، بهداشتی، مسکن برای تمام مردم جهان و تحریم فروش اسلحه به گروه‌های غیرقانونی داشته و در آن صورت می‌توان از گسترش پدیده تروریسم جلوگیری کرد .^(۷۳) اگرچه در میانه‌ی بحث، به رویکردهای لازم برای مقابله با پدیده تروریسم در آفریقا و تلاش اتحادیه آفریقا در آن راستا اشاره شده، اما در این جا برای تأکید به طور اختصار به آن‌ها اشاره می‌شود: *م‌انسانی و مطالعات فرهنگی*

۱. تحقق اهداف هزاره مورد نظر سازمان ملل متحد؛
۲. بهبود و ارتقا شرایط زنان در آفریقای؛
۳. فراهم آوردن امکانات مناسب آموزشی برای همگان؛
۴. فراهم آوردن فرصت مناسب و یکسان برای همه اقشار جامعه؛
۵. بهبود شرایط آگاهی‌رسانی و گسترش امکانات پژوهشی؛
۶. توجه ویژه به شرایط امنیتی، رفع محرومیت اقتصادی - سیاسی و تعمیم عدالت؛
۷. تحریم فروش اسلحه و استفاده از کودک سربازها در آفریقا؛

۸. تعمیم آزادی‌های اساسی، گسترش مردم‌سالاری و توجه به کرامت انسانی در

آفریقا؛

۹. خلع‌ید از بیگانگان در امور اقتصادی و اعطای سهم مناسب به تمامی گروه‌ها؛

۱۰. توجه ویژه به نهادهای علمی و پژوهشی و نخبگان؛

۱۱. تلاش برای توسعه علمی و تشویق نهادهای آموزشی داخلی و حمایت از آن‌ها؛

۱۲. استفاده از ظرفیت‌های جهانی برای بهبود شرایط اقتصادی؛

۱۳. توجه به فرهنگ اصیل آفریقایی و مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب؛

۱۴. استفاده از ظرفیت‌های کشورهای آفریقایی و رفع محرومیت‌ها؛

۱۵. تلاش در جهت افزایش همگرایی در تمامی زمینه‌ها؛

نتیجه‌گیری

موج جدید فعالیت‌های انتحاری و به اصطلاح تروریستی، جهان را فرا گرفته و ارباب جرایم به ویژه غربی‌ها برای مشوش کردن اذهان عموم، آن‌ها را منتسب به اسلام دانسته و می‌خواهند اذهان مردم جهان را نسبت به آیین حیات بخش اسلام مشوش سازند. گروه‌های افراطی مانند القاعده، سلفیه در شمال آفریقا و طالبان نماینده اسلام نبوده و در میان مسلمانان جایگاهی ندارند؛ از این رو یکسان دانستن آن‌ها با مسلمانان و نکوهش بیش از یک و نیم میلیارد جمعیت مسلمان را به خاطر تلاش‌های غیر اسلامی گروهی اندک که وابستگی آن‌ها به غرب و حمایت استکبار از آن‌ها بر همگان روشن است، نتیجه‌ای جز تیرگی روابط بین کشورهای اسلامی و جهان غرب نخواهد داشت.

دنیای غرب همان گونه که با برنامه‌ریزی، زمینه‌های فروپاشی نظام‌های رادیکال و سوسیالیسم را فراهم ساخت، تلاش دارد تا با شیوه‌ای ماهرانه و ظریف و در پوششی انسان دوستانه و آرمان‌گرایانه تمام ادیان و جوامعی را که تسلیم سیادت او نمی‌شوند، ناتوان ساخته و از درون متلاشی نماید. در همین راستا، آمریکا برخی کشورها را کشورهای محور به اصطلاح شرارت معرفی کرده و خواهان مقابله جدی با آن‌ها می‌باشد. در این خصوص، دین اسلام با توجه با بنیان الهی و فطری آن، بزرگ‌ترین مانع پیشرفت دنیای استکبار محسوب شده و آن‌ها برای تضعیف ایمان دینی مسلمان‌ها برنامه‌های بسیاری تدارک دیده‌اند. بدون تردید، مقابله با تروریسم در آفریقا به رفع فقر، فراهم آوردن امکانات مناسب بهداشتی، آموزشی و معیشتی برای همگان داشته و احترام به کرامت انسانی دارد و بی‌توجهی به این امر، به گسست بیشتر جهان سوم از دنیای غرب و افزایش دشمنی‌ها منجر خواهد گردید.

پی‌نوشت:

1. <http://mchrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=493836>.
۲. بی بی سی سه شنبه ۱۹ ژوئیه ۲۰۰۵
- Ghana: Poverty Breeds Terrorism, Kufor Tells Western Leaders**
3. President John Agyekum Kufuor told leaders of rich countries during his three-day state visit to the UK that their fight against corruption will backfire unless they help poor countries to improve the quality of life of their people. <http://allafrica.com/terrorism/>
4. بی بی سی، ۱۰/۱۲/۲۰۰۶
۵. انواع تازه تروریسم با تقسیم‌بندی وزیر خارجه ایران شبکه بی بی سی | ۲۰۰۵/۰۲/۲۲
6. INTERVIEW: Dr. Joseph Douglas on Terror-Sponsorship by Non - Islamic Countries Ryan Mauro - 4/17/2005 RM: What countries were the most involved in the creation of the current terrorist threat we face?
JD: The most important nation, the granddaddy of terrorism, is Russia. Russia adopted international terrorism as a strategic intelligence operation in 1955. It organized schools for terrorists
۷. بی‌سابقه‌ترین احساسات ضداسرائیلی هفتاد سال اخیر در انگلیس
www.baztab.com/news/69234.php
8. <http://www.zmag.org/content/showarticle.cfm?SectionID=40&ItemID=13017>

TERRORISM: THE CHOSEN TOOL OF THE WEAK AGAINST THE MIGHTY

Does 'global war on terror' mask a new imperialism? by Eric Rouleau
Le Monde diplomatique, June 08, 2007

9. Ignacio نوشته Ignacio Ramonet انشی تروریسم، نوشته ۲۰۰۴ مارس لوموند Ramonet

10. <http://mchrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=493836>.

۱۱. یورگن هابرماس: جنگ آمریکا با تروریسم اشتباهی کاملاً فاحش بود، تارنمای فارس به نقل از لوموند دیپلماتیک. سه شنبه ۲۶ خرداد ۱۳۸۳

۱۲. لوموند دیپلماتیک مارس ۲۰۰۴ انشی تروریسم نوشته Ignacio Ramonet

13. Kadhafi reiterates call for United States of Africa project
AngolaPress, Angola - Apr 5, 2007

Kadhafi is the main champion of the United Africa cause and is known to have been a key architect of the transformation of the Organisation for Africa.n

۱۵. نشریه لوموند، مه ۲۰۰۷ با عنوان خیر، شر و «تروریسم»

15. Matthew CARR Unknown Soldiers. How Terrorism Transformed the Modern World Profile Books, London, 2006, 400 pages, 20£

16. <http://www.yahood.net/Book/trorism1/3.htm>

۱۷. دبیرکل اکو: سازمان ملل تعریف واحدی.

دبیر کل اکو خاطرنشان کرد: با توجه به خطرات ... دبیرکل اکو: مبارزه با تروریسم،

مهمترین ...

www2.irna.com/en/news/view/line-8/8508109076115611.htm - 15k

۱۸. این عنوان از میشل دی. تیسی است.

19. Africa Economic Analysis - Getting a measure of African poverty
Africa is plainly a continent of extreme poverty. But do commonly
used indicators of economic growth

accurately reflect the levels of output of African societies? ...

www.africaeconomicanalysis.org/articles/gen/povertymeasurehtm.html

۲۰. فقر و نابرابری در اقتصاد جهانی، فقر و نابرابری در اقتصاد جهانی. نویسنده:

میشل دی. تیسی. مقاله پیش رو در پی آن است که به

www.sapidadam.com/politics/politics_1809337_faqher.htm

21. African Poverty Crises and the African Poverty Crises. By Uche
Nworah ... visited on Africans by both African rulers and their
western collaborators. ...

www.nathanielturner.com/africanpovertycrises.htm

22. <http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8603230455>

23. <http://allafrica.com/stories/printable/200002180004.html>

24. AIDS and Poverty in Africa

<http://www.thcnation.com/doc/20010521/stillwaggon>

25. Human Rights Watch: Child Soldiers, Human Rights Watch has
interviewed child soldiers in countries including ... Youth, Poverty and
Blood: The Lethal Legacy of West Africa's Regional Warriors ...

hrw.org/campaigns/crp/index.htm

26. <http://www.terror-victims.Com/main/index.php?Page=definition & UID=57&Type=-7> ترور

۲۷. مقاله اموند دیپلماتیک ماه مه ۲۰۰۷ با عنوان از لابه لای کتابها خیر، شر و تروریسم.

28. Karl Wycoff, Associate Coordinator, Office of the Coordinator for Counterterrorism

<http://www.state.gov/s/ct/rls/rm/31077/2004.htm>

29. Somalia: U.S. Official Confirms Al Qaeda Members Presence in Somalia Angola Press Agency (Luanda) 4 June 2007 Luanda

30. **Ghana:** Poverty Breeds Terrorism, Kufor Tells Western Leaders

President John Agyekum Kufuor told leaders of rich countries during his three-day state visit to the UK that their fight against corruption will backfire unless they help poor countries to improve the quality of life of their people. <http://allafrica.com/terrorism/>

31. <http://mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=493836>

32. Sudan and seven other sub-Saharan African countries are among the 10 nations in the world most vulnerable to violent internal conflict and deteriorating conditions, according to a private survey

<http://www.guardian.co.uk/uslatest/story/0,6717138,00.html>

Study: Security Worsening in Africa

By BARRY SCHWEID AP Diplomatic Writer 2007 The Associated Press

33. <http://www.worldpress.org/Africa/1989.cfm>

34. Weak States and Terrorism in Africa: U.S. Policy Options in Somalia.

Walter H. Kansteiner, Assistant Secretary for African Affairs
Testimony Before the Senate Committee on Foreign Relations
Subcommittee on African Affairs, Washington, DC, February 6, 2002,
<http://www.state.gov/p/af/rls/rm/7872.htm>

35. Fighting Terrorism in Africa, Mr. Chairman, distinguished
members of the Subcommittee, thank you for the opportunity to testify
today at your hearing on "Fighting Terrorism in Africa. ...
www.state.gov/s/ct/rls/rm/2004/31077.htm

36. <http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8603220309>

37. pp137.156 . Mazrui, Ali (ed) . Africa since 1935. unesco, 1993

38. Central African Republic: Government, Rebels Sign UN Deal On
Reintegrating Child Soldiers UN News Service (New York) 18 June
200

39. Kenya: U.S. Donates Sh6.3 Million Weapon Detectors

East African Standard (Nairobi) 20 June 2007 Samuel Otieno And
Brenda Kageni Nairobi

40. West Africa: West African Ministers Meet

FOROYAA Newspaper (Serrekunda) 15 June 2007 Bubacarr K. Sowe

41. A Glimpse of the World: A Continent for the Taking Archives, And yet it reveals the only weakness of A Continent for the Taking, which is otherwise a triumph of passionate reporting. The wrath of journalists (speaking...www. howardwfrench.com/ archives/ a_continent_for_the_taking/ - 120k

42. <http://www.sporghay.com/Historic/verden/jahan/:20roydat20%ha.htm>
[ml](http://www.sporghay.com/Historic/verden/jahan/:20roydat20%ha.htm)

اعلام موجودیت گروه حزب الله: - بتاريخ ۲۷ مارچ ۱۹۹۰ میلادی

43. <http://www.sharghnewspaper.com/821221/asia.htm>

44. <http://www.africaaction.org/resources/issues/wbimf.php>

The World Bank and IMF in Africa 3

45. <http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=860323028>

46. <http://www.irannewspaper.ir/820606/1382/html/nation.htm> SITE

Institute: SITE Publications - Salafi Group for Call and Combat Call and Combat (al-Jam'a al-Salafia lil-Dawa was Qital) claimed responsibility...Algerian Armed Islamic Group (GIA) as the preeminent Jihadist group in Algeria....[siteinstitute.Org/bin/articles.cgi?...&Subcategory](http://www.siteinstitute.org/bin/articles.cgi?...&Subcategory)

47. **Elections in Algeria - Wikipedia, the free encyclopedia**, These elections were marked by a turnout of 35%, the lowest of any Algerian election to date ([1][2]). The former ruling party, the FLN, obtained the ...en.wikipedia.org/wiki/Elections_in_Algeria

48. reparations bill for the african slaves in the, REPARATIONS BILL FOR THE AFRICAN SLAVES IN THE UNITED STATES THE FIRST SESSION...and also to compel them to make some **compensation** for the damages and...[www. directblackaction.com/ rep_bills/ hr29_1867. txt](http://www.directblackaction.com/rep_bills/hr29_1867.txt) - 6k

49. **Kenya: Vote Out Opportunists, Clerics Urge Citizens**

East African Standard (Nairobi) 30 June 2007 Martin Mutua And Robert Gisemba

50. German Police Counter Suspected Plans Against G-8 Summit, 2nd Ld ...

German Police Counter Suspected Plans Against G-8 Summit , 2nd Ld-Writethru ...

www.securityinfowatch.com/article/article.jsp?

۵۱. برلین، خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۴/۰۳/۸۶

52. <http://www.news24.com/News24/Africa/News/...1447-11-2>

[1990145.00.html](http://www.news24.com/News24/Africa/News/...1447-11-2)

53. Terrorism in Africa 'to climb' 29/08/2006 15:30 - (SA) همان مرجع

54. Africa 'a base for terrorism' 14/02/2006 20:27 - (SA) و [http:// www. News24.com/News24/Africa/News/...1447-11-2](http://www.News24.com/News24/Africa/News/...1447-11-2) [1881294.00.html](http://www.News24.com/News24/Africa/News/...1447-11-2)

55. Fragile States" a Haven for Terrorism, Fragile States a Haven for Terrorism, World News, The World Bank has published its lastest report ...

RelatedCategories:Terrorism|Africa|MiddleEast...worldnews.about.com/b/a/257

[458.htm](http://www.worldnews.about.com/b/a/257458.htm)

56. The Political Economy of IMF Lending in Africa, File Format: PDF/Adobe Acrobat hy has IMF lending achieved such poor results in Africa? Is it because the Fund imposes the the IMF in Africa when it suits U.S. purposes and,... journals. cambridge. org/production/ action/cjoGetFulltext? Fulltextid= 265353

58. <http://www.worldbank.org/ieg/licus/>

59. <http://mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=۴۹۳۸۳۶>

۶۰ جورج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا در مراسم پرده‌برداری از «یادبود قربانیان کمونیسیم» در واشنگتن اظهار داشت، «تروریست‌ها و افراط‌گرایانی که به کشور ایالات متحده حمله کرده‌اند، همچون کمونیست‌ها پیرو ایدئولوژی مرگ‌آوری هستند که از آزادی متنفر هستند و دارای بلندپروازی‌های سلطه‌جویانه‌ای بوده و اهداف توتالیتری را دنبال می‌کنند.» به گفته بوش، دشمنان آمریکا، همانند کمونیست‌ها معتقدند که برای رسیدن به اهداف تندرویانه می‌توان مردم بیگناه را کشت و عاقبت افراط‌گرایان اسلامی نیز همانند کمونیسیم، چیزی جز شکست نخواهد بود. <http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=۸۶۰۳۲۳۰۰۷۸>

61. War of Narratives

By: David Brooks - The New York Times, April 8, 2007

62. <http://www.edalat.net/lire/artikeln/right/jonbeshesandikaie.html>

63. <http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8603220309>

64. <http://www.newamericancentury.org/Bushletter.htm>

65. The War Against Terrorism and the American Double Standard, Causes-of-terrorism.net World Prosperity, Ltd. Suite 601 ... The bombing of Sudan, a response to the U.S. embassy bombings in

Africa, was responsible for an ...www. causes – of -terrorism. net/ usviolence. htm

66. Africa - Millennium Development Goals, Adopted by the United Nations in 2001 as key targets for the developing world, the Millennium Development Goals (MDGs), simply put, seek to free men,women,...web.worldbank.org/WBSITE/EXTERNAL/COUNTRIES/AFRICAEXT/0,,contentMDK:20234497~menuPK:485868~pagePK:146736~...

67. The Post Online (Cameroon): New Year 2006: President Biya ... African Leaders should stop serving the west and turn to their ... to be used to dismiss what we are saying against you and your IRC Colonozers Mr Nke....www.postnewsline.com/2005/12/new_year_2006_p.html-584k

68. Democratization in Africa: The lack of accountability in Africa has led to the gross misuse of public... of power by rulers has been a major obstacle to democracy in African...books.nap.edu/openbook.php?record_id=2041&page=31 - 74k

69. 'Trade justice' for Africa demanded by South Africa's Archbishop, others http://www.usafricaonline.com/

70. http://www2.irna.com/fa/news/view/line-7/8601153500130432.htm

71. Namibia: Time for Us to Go to War The Namibian (Windhoek) EDITORIAL 22 June 2007

۷۲. گزارش تلخی از قاچاق کودکان برای بردگی در انگلیس

نگرانی از امنیت کودکان قاچاق شده تحت مراقبت مقامات محلی....ها و بنادر بزرگ
برای تهیه اطلاعات لازم در مورد کودکان قاچاق شده خبر می‌دهد....

baztab.com/news/69149.php

۷۳. مسایل مطروحه در اجلاس سال شهر هلیفکس کانادا در منطقه نوواسکوشا
HalifaX'NovAScotiA، نشریه واشنگتن پست، نویسندگان درازدیاک، ویلیام اف.
هریس، جان، 1381/04/07 عنوان: ECONOMIC SUMMIT FOCUSES ON

.TERRORISM



منابع و مراجع

۱. «براکینسکی، م. بیداری آفریقا»، مترجم: علوی‌نیا، انتشارات حقیقت، تهران، ۱۳۵۲.
۲. حمید حمید. «بحران‌ها و امکانات تعلیم و تربیت در کشورهای جهان سوم»، انتشارات حقیقت، تهران، ۱۳۵۱.
۳. کورنون، ماریان، «تاریخ معاصر آفریقا». مترجم: صدقیانی، ابراهیم، تهران، ۱۳۶۵.
۴. جوزف استیگلتز. «جهانی‌سازی و مسایل آن»، مترجم حسن گلریز، ۱۳۸۳.
۵. جف هاین، دین، «جهانی‌شدن و فرهنگ سیاسی در جهان سوم»، مترجم: داوود کیانی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱.
۶. فرانسوا بایار، «جان، سیاست مل لبطن، سوسیولوجیه الدوله الافریقیه»، ترجمه: حلیم طوسون، دار العالم الثالث، ۱۹۹۲.
۷. بزری، مهدی «مدیریت فرهنگ سازمانی (مفاهیم، الگوها، تغییر) با رویکرد تعالی‌گرا»، ناشر: قاصد سحر، ۱۳۸۵.
۸. مددپور، محمد، «سیر تفکر معاصر: تجدد و دین‌زدایی در فرهنگ و هنر منور الفکری سکولر و روشنفکری دینی»، ناشر: سوره، مهر، ۱۳۸۵.
۹. کلهری محسن، «جامعه‌شناسی آفریقا (انسان و جامعه)»، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۸۵.
۱۰. وایتهد، آلفرد نورث، «سرگذشت اندیشه‌ها» ترجمه: عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۰.
۱۱. ویلم، ژان پل، «جامعه‌شناسی ادیان»، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، تهران، ۱۳۷۷.

۱۲. فانون، فرانتس، «بررسی جامعه‌شناسی یک انقلاب»، ترجمه تابنده تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی تهران، ۱۳۶۱.
۱۳. باتامورتی، «بی. نخبگان و جامعه»، ترجمه و تحقیق: علیرضا طیب، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
۱۴. ریتزرجورج «نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر»، ثلاثی، محسن، علمی، تهران، ۱۳۷۴.
۱۵. ملک حسن، «جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی»، تهران، ۱۳۷۳.
۱۶. بیر منگام، دیوید و دیگران. «تاریخ آفریقای مرکزی»، ج دوم. ترجمه: عبدالله عظیمایی، ۱۳۷۵.
۱۷. درایسندل آلاسادایر و بلیک جرالده؛ «جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا». دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۴.
۱۸. ساتکارا توماس. «اعتلای زت و انقلاب آفریقا. ترجمه: شهره ایزدی». طلایه پرسو، تهران، ۱۳۷۷.
۱۹. افراسیابی، بهرام. «لیبی و تاریخ». زرین، تهران ۱۳۶۳.
۲۰. دیویدسون، بزیل. «آفریقا تاریخ یک قاره». مترجمان و ریاحی هرمز و مولوی فرشته، امیرکبیر، ۱۳۵۸.
۲۱. سیلر، آلبرت نوردمن. «ادبیات نو آفریقایی». ترجمه وثوقی، افضل. آستان قدس رضوی، مشهد. ۱۳۶۷.

Iwe Nwachuwike, s.s. socioethical issues in Nigeria. pacific pub.Nigeria.1987.

:Levitzion ,Nehemia(eds)(2000).The History of Islam in Africa. Ohio uni press,usa.

22. Ngugi, thionga , wa ,writers in politics.east Africa pub, Nairobi, 1981.
23. Mazrui,Ali.A(eds) General history of Africa .VII Africa Since 1935. California Unesco 1993.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی